



نگاهی به گاهنگاری دشت گنگاور از آغاز تا دوران گودین III

یعقوب محمدی فر*



چکیده

دشتهای واقع در میان ارتفاعات زاگرس مرکزی از نقطه نظر مطالعات باستان‌شناسی از اهمیت فوق-العاده‌ای برخوردارند. دشت گنگاور به عنوان یک واحد در این محدوده جغرافیایی واقع شده است که از سمت شرق، غرب، جنوب و شمال غرب در میان ارتفاعات محصور شده است. این واحد از جهت مطالعات باستان‌شناسی از محل‌های بسیار با اهمیت است. سابقه انجام نخستین بررسی جامع باستان‌شناسی در این دشت به سال ۱۳۵۴ شمسی باز می‌گردد. در بررسی مذکور تعداد ۱۷۰ اثر باستانی شناسایی و کرونولوژی منطقه پیشنهاد شد، لیکن تاکنون تغییراتی در آن بعمل آمده است. پس از آن در سال ۱۳۸۲ هیات بررسی و شناسایی باستان‌شناسی گنگاور به سرپرستی نگارنده (محمدی فر ۱۳۸۳) مجدداً شهرستان گنگاور را مورد مطالعه قرار داد. مقاله پیش رو قصد دارد نتایج آخرین پژوهشها را از این بحث دوره‌های باستان‌شناسی دشت گنگاور از دوره مس و سنگ تا دوره گودین III مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: دشت گنگاور، باستان‌شناسی، گاهنگاری

* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان Yamohamadi@yahoo.com

مقدمه جغرافیایی

شهرستان کنگاور به وسعت ۸۸۴۰۰۰ مترمربع در موقعیت جغرافیایی ۱۶ و ۳۴ درجه تا ۳۹ و ۳۴ درجه عرض شمالی و ۴۳ و ۴۷ درجه تا ۰۵ و ۴۸ درجه طول خاوری واقع گردیده است. این شهرستان در مجموع ۳/۵٪ از کل استان کرمانشاه را تشکیل می‌دهد. این شهرستان از شمال به اسدآباد همدان، از جنوب به نهاوند، از مغرب به صحنه و هرسین و از مشرق به تویسرکان محدود می‌شود. ارتفاع متوسط این شهرستان از سطح دریا ۱۵۰۰ متر است (گودرزی نژاد، ۱۳۵۲: ۱).

کنگاور دروازه ورودی استان کرمانشاه است. از نظر ویژگیهای طبیعی مسیر فعلی کنگاور به صحنه بهترین مسیر دستیابی به سایر شهرهای استان کرمانشاه محسوب می‌گردد. شهرستان کنگاور در طول جغرافیایی واقع شد و فاصله جنوبی‌ترین نقطه تا شمالی‌ترین نقطه تقریباً دو برابر غربی‌ترین تا شرقی‌ترین نقطه شهرستان است.

راه ارتباطی اسدآباد به صحنه تقریباً از وسط دشت هموار کنگاور می‌گذرد و کنگاور را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌نماید. دو راه عمده دیگر از این راه اصلی منشعب می‌شوند. ابتدا راه کنگاور به تویسرکان است که از حدود ۵ کیلومتری نرسیده به شهر کنگاور منشعب شده و پس از گذشتن از میان دهستان گودین به شهرستان تویسرکان منتهی می‌گردد. راه دوم راه کنگاور به نهاوند است که در محل موسوم به سه

راهی نهاوند در حدود ۱۵ کیلومتری غرب کنگاور به طرف نهاوند می‌رود. این راه نیز از میان دهستان خزل که یکی از دهستانهای شهرستان کنگاور است عبور می‌نماید. سومین راه فرعی ولی قابل توجه در سطح شهرستان مسیر کنگاور به فش است که پس از ورود به محدوده شهرستان اسدآباد به دو قسمت منشعب می‌شود است یک راه به سنقر و راه دیگر به اسدآباد منتهی می‌شود. آنچه عنوان گردید شبکه راههای ارتباطی شهرستان کنگاور است، البته توضیح این نکته ضروری است که سایر راههای شهرستان، راههای روستایی بود که غالب آنها به بن بست منتهی می‌گردند. قسمت مرکزی شهرستان کنگاور را دشت و نواحی جنوبی، مشرق، شمال و شمال غربی آن در میان کوههایی که ارتفاع بعضی از آنها به حدود ۳۰۰۰ متر می‌رسد احاطه شده است.

سابقه مطالعاتی

کرنولوژی ترسیم شده برای دشت کنگاور، نتیجه بررسی پرفسور یانگ و همکاران او از موزه پادشاهی اونتاریو است. در بررسی این هیأت بالغ بر ۱۷۰ تپه و اثر باستانی شناسائی گردید و سپس کرنولوژی منطقه از سوی این محققین ارائه شد (young, 1975: 23-30)

در گزارشهای اولیه هیأت صحبت از دوازده دوره تحت عناوین گودین II (ماد) تاگودین دوازده است. که سپس این کرنولوژی در یازده دوره فرهنگی مجزا طبقه‌بندی و ارائه شد. اساس

توسط هاوول در سال ۱۹۷۹ یک محل با این شکل سفال شناسایی شده است (Howell, 1979:156) در نهاوند نیز فقط در لایه‌های بالایی تپه عبدالحسین (در غرب نهاوند) سفالهای مشابهی شناسایی شده است. (Pullar, 1978: 30) .. نمونه‌های رادیوکربنی از فازشحن آباد (تپه C) تاریخی در پایان هزاره ششم را بیان می‌کنند: (Levine, & Young, 1986: 17

1.SI-2668:6220±80Bp=4270b.c=5125-2220±22Bc
2.SI-2662:6195±105Bp=4245b.c=51nd-5140±115Bc
3.SI-2670:6055±8Bp=4105b.c=5005±90B.c

نام این دوره از نام روستای مجاور سه گابی یعنی شحن آباد گرفته شده است. از نظر طبقه‌بندی زمانی با توجه به داده‌های رادیوکربنی فوق دوره شحن آباد در مرحله مس و سنگ قدیم قرار می‌گیرد.

دوره دالما

دوره دالما همان دوره گودین X است و از نظر زمانی مربوط به مس و سنگ میانی است. اسم این دوره از نام تپه‌ای که در جنوب غربی دریاچه اورمیه در ۵ کیلومتری جنوب غربی حسنلو و در چند صد متری روستای دالما واقع شده، گرفته شده است. (Hamlin, 1975: 127) چرا که سفال‌های مشابه این دوره در گنگاور برای نخستین بار از تپه دالما شناسایی شدند. (Young, 1963: 38) در مجموع سه نوع سفال از حفاری در دو محل گودین و سه گابی

این کرنولوژی را حفاری در تپه‌های گودین و سه گابی تشکیل می‌دهد. اغلب این دوره‌ها با نام مناطق محلی و اسم یکی از این دوره نیز از یکی از دوره‌های موجود در آذربایجان گرفته شده است. آنچه در پیش خواهد آمد نتیجه آخرین اطلاعات موجود در کرنولوژی ارائه شده است که به ترتیب هر یک از دوره‌های مذکور و تاریخهای پیشنهادی برای آنها، ارائه می‌گردد:

دوره شحن آباد (گودین XI)

این دوره تحت عنوان گودین یازده نیز معروف است. آثار این دوره صرفاً از یک محل شناسایی و حفاری شده است و آن تپه C سه گابی است که در واقع روستای کوچکی است که احتمالاً بیشتر از شش خانه را شامل نمی‌شده است. سفالهای مکشوفه از تپه C هم شکل و چندان قابل توجه نیستند از نمونه‌های بدست آمده یک ظرف زرد نخودی با شاموت کاه است که به نوعی نماینده همه مجموعه سفالهای این دوره است. برخی از سفالهای این دوره منقوش هستند با نقشی از اشکال به شکل میخ‌های توپر سه گوش که گاهی نیز بصورت آویزهای کوچک بر روی یک خط در داخل لبه ترسیم شده‌اند. شکل‌ها ساده و تقریباً بدون تنوع هستند. شاید تنها نکته‌ای که بتوان در مورد این سفالها اذعان نمود این نکته است که این گروه تقریباً به سادگی در بررسیها شناخته می‌شوند (Levine, 1975: 31-44)

در دره گنگاور هیچ محل دیگری از این دوره شناسایی نشده است لیکن در بررسیهای دره ملایر

انبوه و با رگه رگه‌های متمایز و اشکال نه چندان مشکل و بدون الگوهای واقعی هستند. این ظروف اغلب بعد از نقاشی صیقل شده‌اند و شکل ظروف اغلب شبیه دالماهای یکرنگ است. این سفالینه‌ها نیز در لایه‌های اولیه تپه B سه گابی محدود شده‌اند.

سفالهای دالمای فشرده (Impressed): این نوع سفالها با نقوش فشرده نیشگونی و یا افزوده هستند. سطح این نوع سفالها با روش‌های مختلف تزئین شده است. اکثر سبوها با این روش تزئین شده‌اند. از لحاظ شکل ظروف مشابه دالماهای منقوش هستند لیکن با سطحی دارای لعاب ضخیم به رنگ قرمز تیره یا با لعاب قهوه‌ای هستند.

همه ظروف دوره دالما دست ساز هستند. ظروف اغلب شامل قدهای دهانه گشاد با گردن عمودی و با یک لبه برآمده در زیر گردن هستند. مسأله‌ای که در اینجا باید به آن اشاره نمود این است که آیا ظروف فشرده مکشوفه از حمزین از نوع ظروف فشرده دالما هستند؟ هنوز به قطعیت نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد.

در اینجا باید به چند گروه ظروف منقوش دیگر اشاره نمود. ظروف منقوش دالما-عبید (Dalma Ubaid painted) که با علامت اختصاری D.U.P شناخته می‌شوند و ظروف با نقش سیاه بر روی زمینه نخودی (on-Black - Buff) که با علامت اختصاری B.O.B شناخته می‌شود که در یک تسلسل زمانی کوتاه مدت در مجموعه دالما ظهور پیدا کرده‌اند. هر دو گروه این ظروف ظروفی نازک نخودی سخت هستند.

(Levine & Young, 1986: 29)

شناسایی شده است در سه گابی این نوع سفال از تپه B در چندگودال (pit) درنوک تپه شناسایی شد. (Young & Levine, 1974: 8)

در سه گابی دو نوع از سفال‌های دالمایی وجود دارد: ۱. دالمای منقوش ۲. دالمای فشرده (ایمپرس).

ظروف سفالین منقوش (نوع ۱) خود در سه دسته و طبقه‌بندی می‌شود: الف) تک رنگ (مونوکروم Monochrome) ب) دو رنگ (بیکروم Bichrome) ج) رگه رگه (استریکی Streaky) ۱. دالمای تک رنگ: این گونه عمومیت بیشتری دارند و معمولاً سفالینه‌های پوک (سبک) با شاموت کاه، با سطح مات (کدر) یا لعاب گلی غلیظ که گاهی اوقات این لعاب به رنگ کرم و یا به رنگ قرمز تیره است. نقش تقریباً تمام سطح بیرونی ظرف را با الگوی هندسی در بر گرفته است. ظروف اغلب به شکل دیگ‌های دهانه باز، ظروف استوانه‌ای و کاسه‌های نیم کروی هستند.

دالماهای دو رنگ: این گروه ساده‌تر و کمیاب‌تر از نمونه‌های تک رنگ هستند. این نوع از سفالینه‌ها در لایه‌های اولیه تپه B سه گابی با تزئیناتی قرمز و سیاه بر روی زمینه کرم بدست می‌آیند.

نکته قابل توجه در اینجا این است که هیچ نمونه از ظروف دو رنگ از تپه دالما در آذربایجان بدست نیامده است و این نوع مختص دره کنگاور است.

دالماهای رگه رگه (Streaky) متفاوت از دو گروه دیگر یعنی نمونه‌های دالمای منوکروم و بیکروم هستند. یعنی دارای نقش‌های متراکم و

دوره سه گابی (گودین IX)

به احتمال مجموعه سه گابی بر روی مجموعه دالما قرار گرفته است. داده‌های این مجموعه به نوعی پیشرفت در تکنیک سفال دالما را نشان می‌دهند. سفالهای نخودی با کیفیت بسیار خوب و بدون لعاب با بدنه براق شیشه‌ای با نقش بسیار و با ضخامتی مشخص و گونه دیگر از ظروف با لعاب قرمز که معمولاً صیقل شده‌اند که گاهی اوقات جای انگشت دست بر روی آن همانند دالمای فشرده دیده می‌شود. سایت‌های گودین IX در دره کنگاور به خوبی همسایه آن در نهاوند (Young 1966: 228) ملایر (Howell, 1979: 156-157) هستند. سفال تپه گیان در دوره Vc مشابه ظروف منقوش سه گابی هستند (Contenau & Ghirshman, 1935: 32) تاریخ پیشنهادی برای این دوره که از لحاظ دوره بندی جزء مس و سنگ میانی است در حدود ۳۲۰۰-۳۶۰۰ پیش از میلاد در نظر گرفته شده است (Levine & Young, 1986: 29). این دوره به جهت آثار موجود در تپه B سه گابی که قسمت عمده آثار این دوره را در خود دارد دوره سه گابی نام گرفته است.

دوره گودین VIII

از دوره گودین VIII بعنوان پدید زودگذر یاد می‌شود. سفالهای این دوره از نظر اندازه بسیار کوچک هستند خصوصیتشان بوسیله یک سفال نخودی خوب پخته شده براق با نقش سیاه مشابه ظروف BOB که در بررسیهای ماهیدشت توسط

لوین شناسایی شده اند، معرفی شده است. از نظر شکل موتیف و تکنیک مشابه ظروف دوره سه گابی نیستند اگر چه سفال سازی ادامه سنت دوره سه گابی است. نکته قابل توجه این است که سفالهای مربوط به این دوره در بررسی کنگاور پیدا نشده‌اند لیکن ممکن است مجموعه‌ای از آنها در تپه گیان معرفی شده باشند (Levine & Young, 1986: 33). این دوره از نظر زمانی در پایان مس و میانی قرار دارد و پس از این مرحله دوره مس و سنگ جدید قرار دارد.

دوره گودین VII

دوره مس و سنگ جدید با دوره گودین VII در دوره کنگاور آغاز می‌شود. دو مجموعه عمده از دوره مس و سنگ جدید با خطوط دقیق استراتژی گرافی طبقه‌بندی و معرفی شده‌اند. این دو مجموعه عبارتند از دوره، گودین VII که یا دوره حسین آباد و دوره گودین VI یا دوره چشمه نوش معرفی شده‌اند (Levine & Young, 1986: 33).

سفالهای این دوره هم در حفاریات گودین تپه و هم در حفاریات تپه سه گابی و در بررسی تعدادی از سایت‌های داخلی دره شناسایی شده‌اند. سفالهای این دوره بر اساس تیزی شکل ظروف و تزئینات متمایز می‌توانند شناسایی شوند. نکته مهمتر این است که در حفاری گمانه B در تپه گودین و در تپه سه گابی مدارک قابل توجه از نظر تکنیکی و تداوم ظروف سفالی بین دو دوره حسین آباد و چشمه نوش وجود دارد. (Young & Levine, 1974: 16).

الف: سفالهای خشن: خمیره این سفالها دارای ناخالصی ذرات شن است. شاموت این نوع سفال گیاهی است که الیاف گیاهان، کاه خرد شده یا سبزیجات خرده شده در قطعات بلند در خمیره سفال به وضوح دیده می‌شود. ضخامت سفال نسبتاً زیاد و دیواره‌ها یکنواخت نیست. در حرارت کم پخته شده‌اند و به همین علت مغز سفال اغلب تیره و دود زده است. سفالهای خشن از نظر پوشش سطح به زیر گروههای سه گانه‌ای تقسیم می‌شود: سفال ساده نخودی که بسیار پوک و ضخیم هستند و فاقد لعاب هستند و بعضی از نمونه‌ها نیز با دست مرطوب لعاب گلی داده شده‌اند. □ وکن یس لعاب گلی غلیظ نخودی رنگ که ضخامت آنها نسبت به نوع قبلی کمتر و به اندازه آنها □ وکن یسند ولی در عوض دارای لعاب گلی ضخیمی هستند که داغدار شده است.

سفال‌هایی با لعاب گلی غلیظ قرمز که داغدار شده است.

ب: سفالهای ظریف که دارای شاموت گیاهی با الیاف کوتاه‌تری هستند، بطوریکه به سختی دیده می‌شوند. معمولاً در حرارت مناسبی پخته شده‌اند و مغز سفال یک دست است. این گروه از سفالها نیز خود به دو زیر گروه تقسیم می‌شوند:

سفالهای نخودی ساده داغدار.

سفالهای با لعاب گلی غلیظ کرم رنگ.

ویژگی عمده سفال دوره VII، سفالهای خشن صیقل نشده با ماده چسباننده کاه است که اغلب بصورت ناتمام در کوره پخته شده‌اند. انواع دیگر ظروف بزرگ نخودی که اغلب دارای بدنه ضخیم هستند، ظروف لعابدار نخودی با لعاب غلیظ، ظروف با لعاب غلیظ قرمز و ماده چسباننده کاه با دیواره ضخیم و بالاخره ظروف ظریف (خوب) که خود دارای دو زیر مجموعه هستند: ظروف بزرگ نخودی و ظروف با لعاب کرم رنگ که معمولاً بدنه آنها لعاب‌دهی شده است. (Young, 1969: 3)

بالغ به ۸۹ در صد از ظروف در گودین VII دارای بدنه کشیده، پایه‌ای معقر و یک ردیف افقی از سوراخهای کوچک در اطراف بدنه هستند که دو اثر انگشت متمایز در روی دسته در کنار لبه دیده می‌شود. گروه دیگری از ظروف که اصطلاحاً S نامگذاری شده‌اند متعلق به این دوره هستند. علاوه بر این دوره سینی‌های گوناگون به رنگ خاکستری مشاهده می‌شود. لیوانهای عمیق با دیواره S شکل که شباهتی با دیگرها پیدا می‌کنند، دیگرهای با دیواره، مستقیم و دیواره شیب‌دار از دیگر سفالهای این دوران هستند. یک ویژگی برجسته در تزئین ظروف این دوره خط یا خطوط موج یا زیگزاک‌ی بر روی کناره بیرونی لبه است. (Levine & Young, 1986: 35.)

سفالهای دوره گودین VII همگی دست ساز هستند. در یک طبقه‌بندی که از سوی دکتر یانگ صورت گرفته است، کل سفالهای این دوره در دو گروه جای می‌گیرند: (Young, 1969: 3-4)

الف: سفالهای خشن ب: سفالهای ظریف.

دوره گودین VI

داده‌های باستان‌شناسی مربوط به دوره گودین VI از لایه‌های ۱۹ تا ۳۴ در گمانه B گودین تپه بدست آمده‌اند. بقایای محدود معماری نیز حفاری گردیده است. همه سفالها دست ساز هستند و بطور کلی در چهار گروه: خشن، نیمه خشن، معمولی و خوب طبقه‌بندی شده‌اند. (Young, 1969: 5) سفالهای خشن در این دوره در یک کمیت کمتری نسبت به دوره قبل بدست آمده‌اند (شصت و پنج درصد). از سوی دیگری گروه بیشتری از طرف نخودی نسبت به دوره قبل اشاعه می‌یابند. شکل ظروف اغلب شامل کاسه-های نیم کروی با لبه‌های به داخل برگشته و کاسه‌های نیم کروی با دیواره‌های عمودی است که عمدتاً دارای عمق کم تا متوسط هستند. دیگ‌ها و سبوها نیز در این دوره ظهور می‌یابند اما در یک شکل برجسته و شاخص ظروف نخودی غیر منقوش (ساده) با پایه‌های ستونی از سایر مشخصه‌های سفالی این دوره هستند. ظروف با لعاب قرمز نیز مانند دوره قبل تداوم می‌یابد اما با درصد بسیار کمتر، یعنی بین هشت تا ده درصد. از دیگر ویژگیهای عمومی ظروف سفالین این دوره داشتن دیواره معقر در قسمت بالایی است. تزئینات قالبی برای اولین بار در این دوره رواج می‌یابد. لیکن تمایز عمده دوره VI نسبت به دوره قبل از خود در نوع نقوش روی سفالهاست. ظروف پایه‌دار نیز به دو صورت منقوش و غیر منقوش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این دوره ظروف منقوش نخودی خوب و متوسط صیقل و پرداخت شده‌اند رنگ زمینه معمولاً نخودی یا

سفید است، رنگ نقش نیز از صورتی روشن بطرف سیاه کهربایی است. نقش مات و بیشتر متمایل به نقوش زایل شونده است. موتیف‌ها هندسی و ابتدایی هستند که در آن میان بعضی از نقوش مسبک حیوانات و پرندگان ظاهری شود. (Levine & Young, 1986: 40)

قطعاتی از سفالینه‌های دوره‌های VI و VII گودین در تپه گیان شناسایی شده است. (Henrickson, 1985: Teble 1) علاوه بر این در مجموعه سفالهای دشت قزوین و خصوصاً در تپه سگرآباد در فلات ایران (Majidzadeh, 1983: 11) نیز سفالهای مربوط به دوره سیلک III فاز ۱ تا ۷ قابل مقایسه با سفالهای این دوره از دره کنگاور می‌باشند. (Ghirshman, 1938: 24)

دوره گودین V

آثار و داده‌های مربوط به دوره V از ترانشه-های YE، yw، z تپه گودین بدست آمده‌اند. (Young & Levine, 1974: 17) در دوره‌های VI و V در دره کنگاور و ماهیدشت و بطور کلی در اغلب نقاط غربی مدارکی از دوره اروک متأخر یعنی حضور مردم سرزمینهای پست (شوش - بین النهرین) به مناطق مرتفع را داریم. شواهد باستان‌شناسی در کنگاور را از حفاری لایه گودین V به خوبی می‌توان ملاحظه نمود لیکن مدارک خوبی از این نفوذ را می‌توان در لرستان مشاهده نمود. (Levine & Young, 1986: 40)

در اواخر دوره، گودین VI در گودین یک یافته معماری یعنی قلعه‌ای با دیوار بیضوی کاوش شده است، که این قلعه دقیقاً موازی لایه‌های ۱۷

یا تنها در گوشه‌ها اثری از شکستگی یا بریدگی داشته است. به استثنای یکی که روی آن چیزی نوشته نشده بقیه علایم عددی و تصویری را نشان می‌دهند. با وجود یک لوح نوشته نشده می‌توان چنین نتیجه گرفت که دست کم تعدادی از الواح در گودین ساخته می‌شد. اگر چه در دوره پنجم گودین شباهت فراوانی میان شیوه عددنگاری بین-النهرین و جلگه شوش به چشم می‌خورد. اما الواح گودین از لحاظ شکل و علایم تصویری و شیوه عددنگاری به الواح شوشی بیشتر شبیه هستند تا به الواح بین‌النهرینی.

تعداد ۱۳ لوح مذکور مهر شده هستند و علاوه بر آن چهار گل تویی مهر شده و دو مهر استوانه نیز از درون دژ بیضی به دست آمده است. از آنجا که روی یکی از مهرها نشانی حک نشده، می‌توان گفت که همچون الواح، دست کم تعدادی از مهرها نیز در محل ساخته و حکاکی می‌شده‌اند. تصاویر مهر گودین شباهت کاملی به نقوش مهرهای بدست آمده از شوش دارد با مطالعه الواح و مهرهای گودین می‌توان چنین استنباط کرد که طرف معامله گودین در مبادلات تجاری مرکز بزرگ شوش بوده و ارتباط آن با جنوب بین‌النهرین اهمیت چندانی نداشته است. وجود کالای غیر محلی در گودین را می‌توان به دو گونه تعبیر کرد: اول اینکه اجناس از طریق شوش به صورت کالای تجاری وارد گودین می‌شده است و دوم اینکه: شوشیهای ساکن گودین آنها را در محل تولید می‌کردند. در اینجا تعبیر دوم به واقعیت نزدیکتر است. زیرا همانگونه که در مورد لوح نوشته و مهر استوانه‌ای حکاکی نشده اظهار

و ۱۸ اکرویل شوش و هم عصر با لایه ۱۷ در وارکا می‌باشد. این دژ در بالاترین نقطه محوطه مجموعه ساختمانی با دیواری بیضی محصور می‌شده است این مجموعه را چندین ساختمان و اتاق تشکیل می‌داد که در اطراف یک حیاط بزرگ قرار گرفته بودند. اگر چه عرض دیوار بیضی در ضخیم‌ترین نقطه خود به حدود یک متر و نیم می‌رسد، اما از آنجا که از استحکام و مقاومت چندانی برخوردار نیست، به احتمال قوی بزای مقاصد دفاعی ساخته نشده بود. با این حال دیوار مذکور گونه‌ای حفاظ را برای ساکنان به وجود می‌آورد و از سوی دیگر از آنجا که بنا چون نگینی بر بالاترین نقطه تپه و در مرکز قرار گرفته بود، خودبخود حالت و موقعیت یک قلعه را به خود می‌گرفت. آثار به دست آمده از درون بنای داخل قلعه نشان می‌دهد که مجموعه هم کاربرد اداری داشت و هم از آن به احتمال برای امور مربوط به سیاست یا اقتصاد محل یا هر دو، استفاده می‌شده است. در اتاق شماره شش ساختمان مسکونی و اتاقهای دیگر، محلی برای بایگانی الواح بوده است اتاق دروازه یا انبار جهت نگاهداری آذوقه یا کالای تجاری به کار می‌رفت. اگر چه شباهتهای زیادی میان معماری خانه‌های شهر و بناهای درون دژ به چشم می‌خورد، اما به روشنی معلوم است که خانه‌های پائین قلعه متعلق به روستائیان نسبتاً مرفه بوده که زندگی آنها با ساکنان دژ تفاوت داشته است. (Weiss & Young, 1975: 1-17)

روپم رفته ۴۳ لوح سالم و شکسته از دوره پنجم به دست آمده است که ۲۷ لوح کامل بوده

منقوش، کاسه‌های لبه واریخته در اندازه‌های مختلف، ظروف با لوله‌های خمیده و سینی‌های سفالی ساده خشن و انواع ظروف بلند با لبه‌های خشن شامل می‌شوند. در گودین در خارج از حصار بیضی در قسمتی از شهر که در اواخر دوره گودین VI اشغال شده بود، یکی از یافته‌های اواخر اروک مجموعه‌ای منحصر به فرد از کاسه-های لبه واریخته و سینی‌های سفالی خشن بود. البته در سه محل دیگر در گنگاور این شکل سفالی یافت شده‌اند، لیکن نه به همان کمیت. (Levine & Young, 1986: 39-40)

IV گودین

در پایان دوره‌های VI و V پدیده دیگری وارد منطقه گنگاور می‌شود این فرهنگ جدید گودین IV است که تماماً برای زاگرس مرکزی جدید است. این فرهنگ ابتدای عصر برنز I است. بهترین محل برای مطالعه این فرهنگ یانیک تپه در آذربایجان است. (Burney, 1964: 54-61) داده‌های بدست آمده از دوره گودین IV از ترانسه‌های T و U و گمانه‌های عمیق در تراشه‌های AO₁ و BO₁ بدست آمدند. (Young & Levine, 1974: 17) داده‌های مربوط به این فرهنگ از لرستان شرقی و دشت همدان در اغلب سایت‌ها ظاهر می‌شود تا یک فرهنگ کامل و علل ایجاد آنرا که احتمالاً استیلای اقوام بیگانه در منطقه است را نشان دهد.

سفال دوره IV متمایز و به سادگی قابل شناسایی است. ظروف نخودی مسطح دست ساز، سفال غالب این دوره است که به اشکال ظروف

گردند، دلایل فراوانی حکایت از این دارد که سبک مهرهای استوانه‌ای گودین تقلیدی است از مهرهای همزمان شوشی. این تولیدات محلی شاید بتوان کاسه‌های لب واریخته و خمره‌های بزرگ چهار دسته‌ای را نیز اضافه کرد، چرا که تعداد کاسه‌های لبه واریخته در گودین بسیار زیاد و حمل و نقل خمره‌های بزرگ از خوزستان به گودین بسیار مشکل بوده است. بنابراین می‌توان تصور کرد که کوزه‌گران محلی کاسه‌های لبه واریخته و خمره‌های چهار دسته‌ای را نیز در گودین تولید می‌کردند. از سوی دیگر نوشتن السواح و استفاده از علائم کاملاً مشابه شوش توسط صنعتگران محلی غیر ممکن به نظر می‌رسد و بهتر است فرض کنیم که ظروف، السواح و مهرهای بدست آمده از درون دژ بیضی توسط شوشیهای ساکن دژ که در گودین به کارهای تجاری مشغول بوده‌اند تولید می‌شده است.

درباره حضور بازرگان شوشی در گودین عقیده بر این است که آنها درون دژ می‌زیستند و مورد حمایت روستائیان پائین دژ بوده‌اند. در واقع این دژ حالت پایگاه تجاری را داشت که از طریق آن شوشیها قادر بودند بر شعاع بیشتری از مناطق شمالی نظارت داشته باشند. به سخن دیگر شوش با استفاده از این پایگاه می‌توانست کالاهای صادراتی خود را نه تنها به سرزمینهای کوهستانی زاگرس مرکزی بلکه به مناطق فلات مرکزی ایران یعنی محوطه‌هایی چون سیلک در نزدیکی کاشان سرازیر کنند. (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۲۵) یافته‌های سفالی دوره V سبوه‌های چهار دسته با تزئینات طنابی و تزئیناتی بصورت مثلثی و نوارهای

آثار این فرهنگ در مناطق یاد شده بسیار است، ولی اینکه مسکن اولیه و اصلی این مردمان کجا بوده است، هنوز معلوم نیست. باتوجه به تزئین سفالها که شباهت بسیاری به کنده‌کاری روی چوپ دارد، به نظر می‌رسد سازندگان این نوع سفالها مردمانی بوده‌اند که از مناطق جنگلی مهاجرت کرده و در مسکن اولیه آنها کنده‌کاری روی چوپ عمومیت داشته است. (طلایی، ۱۳۷۴: ۸)

نفوذ فرهنگ یانیک پس از استقرار اولیه در شمال غربی ایران، بویژه به سمت جنوب و شرق گسترش بسیاری یافت. آثار سفالی این فرهنگ در قسمت‌های وسیعی از دامنه شرقی کوه الوند و جلگه همدان با بررسیهای باستان‌شناسی مشخص شده است. (Young, 1975: 23-3)

نتایج کلی بررسی دشت کنگاور

از دوره گودین XI صرفاً یک محل شناسایی و معرفی گردید است. این محل تنها مکان یافت شده در بررسی منطقه است که توسط دکتر لوین کاوش گردید که در ابتدای مبحث بدان پرداخته شد. از دوره گودین X یا دوره دالما بیست ناحیه با اطمینان تاریخگذاری شده است که کل مجموعه شامل ۱۳ هکتار است و در مجموع هیچ ناحیه‌ای بزرگتر از یک هکتار نمی‌باشد.

از دوره گودین IX که بنام دوره سه گابی نامگذاری شده است، هیچ ناحیه‌ای بزرگتر از یک هکتار نمی‌باشد. در این دوره مکانها اغلب در بستر یا کنار رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند و ده ناحیه

آشپزخانه با دسته و بدون دسته ظاهر می‌شود. اغلب ظروف برجسته این دوره را ظروف خاکستری - سیاه تشکیل می‌دهند که در دو شکل خشن و عالی هستند، با تزئیناتی بصورت فرو رفته با نقوش کنده که با یک ماده یا ملات سفید رنگ پر شده‌اند.

نوارهای زیگزیکی و سه گوش عمومی‌تر هستند. خطوط کنده‌کاری، با تزئینات شانهای و موجدار و خطوطی به صورت خطوط میخی که بر لبه ظرف کنده شده‌اند، تزئینات ظروف این دوره را تشکیل می‌دهند. تزئینات در قسمت‌های بیرونی بدنه و پایه گلدانها و کاسه‌های کوچک و بزرگ کم عمق و فنجانهای عمیق ظاهر می‌شود. (Levine & Young, 1986: 40) مرحله اول فرهنگ یانیک تپه با سفالهای دست‌ساز خاکستری و تیره داغدار که با نقش‌های کنده شده هندسی (مثلث‌ها، دایره‌های تو در تو، خطوط مستقیم و مربع‌ها) تزئین شده است، مشخص می‌شود که از نظر نوع و ساخت از سفالهای ظریف و نازک خاکستری فرهنگ حصار قابل تشخیص هستند. از دیگر ویژگیهای مرحله اول این فرهنگ ساخت خانه‌های مدور با پلکانهای چوبی یا گلی و سکوهای گلی است که ورود و خروج از طریق سقف منازل صورت می‌گرفت به نظر بودنی نفوذ فرهنگ یا نبوغ در اواخر هزاره سوم قبل از میلاد به شمال غربی ایران در خلال مهاجرت مردم به شرق آناتولی، شمال غربی ایران و منطقه قفقاز صورت گرفت. (Burney, 1971: 27)

- رهبر، مهدی؛ ۱۳۵۴، بررسی باستان‌شناسی منطقه کنگاور، آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور.

- طلایی، حسن؛ ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، انتشارات سمت، ج اول، ص ۸.

- مجیدزاده، یوسف؛ ۱۳۶۸، آغاز شهرنشینی در ایران، مرکز نشر دانشگاهی. ج اول.

- محمدی فر، یعقوب و عباس مترجم، ۱۳۸۰، بررسی باستان‌شناسی شهرستان کنگاور، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه.

- Burney, Charles. A. 1964. Excavations at yanik Tepe, Azerbaijan, 1962: third preliminary report. *Iraq*, 26, pp. 54-61.

- Burney and Long, 1971, "The peoples of the Hills, London Young, 1975", Kangavar Valleg survey "Iran, No .3, pp. 23-30.

- Contenau, G and Ghirshman, 1935. *fouilles du Tepe Giyan pres de Nehavand*, 1931 - 1932 . Geuthner , Paris.

- Ghirshman, R . 1938. *Fouilles de Sialk pres de Kashan*, 1933, 1934, 1937.vol. I.

- Hamlin, carol , 1975, "Dalma Tepe ." *Iran* . Vol. XIII , pp. III. 127.

- Henrickson. E.F. 1985* "An updated chronology of the central zagros chalcolithic ." *Iran XXIII Table 1*.

- Howell, Rosalind , 1979. survey of the malayer plain, "*Iran*, XVII. pp. 156-157.

-Levine, Louis D.1975 The excavation at SHE GABI pfoceedings of the III RD Annual symposium on ... P.P31-44.Tehran - Iran . 1974.

شناخته شده در این دوره وسعتی در حدود یک هکتار داشته‌اند.

دوره گودین VIII یا دوره طاهر آباد که از آن به عنوان یک پدیده زودگذر نام برده شده است. ناحیه‌ای در بررسی کنگاور معرفی نشده است و صرفاً در یکی از ترانسه‌های تپه گودین تعدادی سفال توسط دکتر یانگ معرفی شده‌اند. دوره گودین VII یا دور حسین آباد مشتمل بر ۲۳ ناحیه و به وسعت ۱۶ هکتار می‌باشد. از این دوره سیستم آبیاری و زهکشی مورد استفاده مردمان عصر مس و سنگ بوده است. دوره گودین VI یا دوره چشمه نوش مشتمل بر ۳۹ ناحیه یا پوشش ۹ هکتار است که دو ناحیه اندازه‌ای بین ۲ تا ۵ هکتار داشته‌اند. بزرگترین استقرار در ولاشگرد یافت شده است. این مرحله قابل تقسیم به دو فاز A و فاز B است.

دوره گودین V فقط در تپه گودین بطور واضح و مشخص دیده است. در این دوره از گودین به عنوان یک مجتمع تجاری یاد می‌شود که به وسیله مردم خوزستان اداره می‌شود، است. (مشابه لایه ۱۷ شوش). این نفوذ از اواخر گودین VI است. دوره گودین IV یا دوره یانیک مشتمل بر ۱۵ ناحیه است. وسعت نواحی این دوره بالغ بر ۳۶ هکتار است. در این دوره اندازه متوسط بطور قابل توجهی افزایش یافته بود و حدوداً به ۲/۳۰ هکتار رسیده است (رهبر، ۱۳۵۴).

کتابنامه:

- گودرزی نژاد، شاپور؛ ۱۳۵۲، "کنگاور جغرافیای انسانی و اقتصادی" نشریه گزارشهای جغرافیایی مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران.

- Young, T. C . 1969 . *Excavations at Godin Tepe*. first progress Report . Royal Ontario Museum, pp. 3-4.

- Young and Levine, 1974, *Excavation of the Goudin project: second progress Report* pub : The Royal ontario Museum . 1974.

- Young, T.Cuyler, jr 1975 *AN Archacological sarvey of the kangavar valley proceedings of the IIIRD Annual symposium on Archaeological research in Iran*. PP.23-30 Tehran _Iran. 1974

- Weiss and Young, 1975, " the merchants of susa: Godin Vand plateau lowland relations in the late fourth millennium B.C. *Iran*. XIII, PP.1-17 .

- Levine, Louis and T.cuyler Young Jr. 1986, Asumaryy of the Ceramic assemblages of the central western zagros form the middle Neolithic to the late third millenium B.C colloques internationaux - CNRS PREHISTOIREDE LA Mesopotamie, 17-18-19 December 1984, P.17 Editions du CNRS :paris.

- Majid Zadeh, 1983 .

"EXCAVATIONS AT Tepe Ghabristan Iran. *The Early prehistoric cultures of the central platean of Iran daring the 5 th and 4 th millennium B.C.A.M.I.Erganzungband 11*.

- Pullar, judith , 1978. Tepe Abdulhosein . a Neolithic site in western Iran Excavations , B.A.R *International series 563*, England 1990.

- Young. T. Cuyler. 1963. *Dalma painted waer Expedition*. Wintter 1963, pp. 38-39

- Young. T.Cuiler. JR . 1966. Survey in western Iran 1961, *Journal of Near Eastern studies* , 25(A) p.p.228-239.



سفال‌های دالمای دو رنگ (گودین X)

سفال‌های تپه دالما (اذربایجان)



سفال‌های منقوش سیاه بر روی زمینه نخودی BOB (گودین X)

سفال‌های دالما - عبید منقوش DUP (گودین X)



سفال‌های منقوش دوره گودین VIII

سفال‌های منقوش دوره سه گابی (گودین IX)

جدول گاهنگاری مقایسه‌ای کنگاور، ماهیدشت و سلدوز

توضیح: این جدول اقتباسی از آخرین گاهنگاریهای پیشنهادی که توسط هنریکسن با برخی اصلاحات است.

	ماهیدشت		کنگاور		دره سلدوز
	B.C	b.c	تپه سیبید	چغاماران	
برنز قدیم	۳۱۰۰	۲۴۰۰			دوره گودین IV
	۳۲۰۰	۲۵۰۰			دوره گودین V
مس و سنگ جدید	۳۳۰۰	۲۶۰۰			دوره گودین VI
	۳۴۰۰	۲۷۰۰			دوره گودین VII
انتهای مس و سنگ	۳۵۰۰	۲۸۰۰			دوره گودین VIII
میان	۳۶۰۰	۲۹۰۰			دوره سه گایی (گودین IX)
مس و سنگ	۳۷۰۰	۳۰۰۰			دوره دالما (گودین X)
انتهای مس و سنگ	۳۸۰۰	۳۱۰۰	سیبید جدید فاز ۱۰۱-۱۰۲	چغاماران ۱۰۵-۱۱۶ ۳۰۲-۳۰۳	بیزولی
میان	۳۹۰۰	۳۲۰۰		؟	دالما
مس و سنگ	۴۰۰۰	۳۳۰۰			شحن آباد
انتهای مس و سنگ	۴۱۰۰	۳۴۰۰	سیبید قدیم فاز ۲۰۱-۲۰۲	سیبید قدیم فاز ۳۰۴-۳۰۵	؟
میان	۴۲۰۰	۳۵۰۰			؟
مس و سنگ	۴۳۰۰	۳۶۰۰			؟
انتهای مس و سنگ	۴۴۰۰	۳۷۰۰			؟
میان	۴۵۰۰	۳۸۰۰	چس ور فاز ۲۰۳-۲۰۶	چس ور فاز ۳۰۶	؟
مس و سنگ	۴۶۰۰	۳۹۰۰			؟
انتهای مس و سنگ	۴۷۰۰	۴۰۰۰			؟
میان	۴۸۰۰	۴۱۰۰			؟
مس و سنگ	۴۹۰۰	۴۲۰۰			؟
انتهای مس و سنگ	۵۰۰۰	۴۳۰۰			؟
میان	۵۱۰۰	۴۴۰۰			؟
مس و سنگ	۵۲۰۰	۴۵۰۰	سراب جدید ۱۰۳-۱۰۶	سراب جدید زیر ۳۰۶	؟
انتهای مس و سنگ	۵۳۰۰	۴۶۰۰			؟
میان	۵۴۰۰	۴۷۰۰			؟
مس و سنگ	۵۵۰۰	۴۸۰۰			؟
انتهای مس و سنگ	۵۶۰۰	۴۹۰۰			؟
میان	۵۷۰۰	۵۰۰۰			؟
مس و سنگ	۵۸۰۰	۵۱۰۰			؟
انتهای مس و سنگ	۵۹۰۰	۵۲۰۰			؟
میان	۶۰۰۰	۵۳۰۰			؟

توضیح: این جدول اقتباسی از آخرین گاهنگاریهای پیشنهادی که توسط هنریکسن با برخی اصلاحات است.